بازديد از كتابخانه

سناریوی فلم انيميشن «خدمات كتابخانه براي عامه» انجمن كتابخانه هاي جرمنی **(dbv)**

1. خرد و کلان دروازه دخولی كتابخانه را باز مي كنند، وارد كتابخانه شده و حیران می مانند.
2. کلان: اوه! سیل كن چی میزان كتاب و آدم اینجا می باشد!
3. خرد: «سیل كن، او خانوم كتابداره. او حتما میتانه به ما كمك كنه.»
4. خانم كتابدار: «خوش آمديد! من چی كاري مي تانم براي شما انجام بتم؟»
5. کلان: «اين آی دی کارت من است. ما مي خوايم که یک چيزي امانت بگيريم.»
6. خانم كتابدار معلومات را در کمپیوتر ثبت مي كند و كارت عضويت كتابخانه را صادر مي كند.
	1. او كارت را به کلان تحويل مي دهد.

7. خانم كتابدار: «شما با اين كارت مي تانید كتاب و رسانه هاي ديگه ره امانت بگيرين.»

8. خرد و کلان مصروف كشف و شناسايي كتابخانه مي شوند:

9. آنجا قفسچه هايي پر از كتاب وجود دارد و افرادي كه كتاب ها را انتخاب كرده و آن ها ورق مي زنند. فلم و سي دي نيز وجود دارد.

10. خرد: «سیل كن، اين فيلم مورد علاقه من است! مي خوام اين فلم ره به امانت بگيرم.»

11. آن ها جلوتر مي روند و از كنار تعدادي ميز و چوکی كه يك نفر در آنجا مصروف خواندن روزنامه است، عبور میکنند. بعد از آن يك نفر را مي بينند كه در حال جستجوي معلومات در انترنت است.

12. در آنجا يك نفر براي بچه ها داستان مي خواند. بچه ها با هيجان به داستان گوش مي دهند.

13. پیشتر پشت ميزهاي كار عده اي مصروف خواندن و نوشتن هستند.

14. کلان هنوز كتاب مورد نظرش را پيدا نكرده است.

15. کلان: «بيا!»

16. او به آقاي كتابدار كه بالای زینه است مراجعه مي كند.

17. کلان: «من نمي فامم اين كتاب ره كجا مي تانم پيدا كنم.»

18. آقاي كتابدار: «لطفا همراه من بياين.»

19. آن ها از كنار قفسچه هاي كتاب زيادي عبور مي كنند تا اين كه كتاب را پيدا مي كنند.

20. آقاي كتابدار: «بفرماييد! اين كتاب شماست.»

21. کلان: «بسیار تشکر!»

22. آن ها به بخش امانت مي روند. آن ها كتاب، فلم و كارت كتابخانه را روي پيشخوان مي گذارند. خانم كتابدار آن ها را راجستر مي كند. پس از آن او كتاب و فلم را به همراه كارت كتابخانه به آن ها بر مي گرداند. او توضيح مي دهد كه كتاب و فلم حداكثر چی زماني بايد به كتابخانه عودت داده شود.

23. خرد و کلان از همدیگر خداحافظي مي كنند. آن ها حتما به زودي دوباره به آنجا مي روند!

متن: بيبليومديا (Bibliomedia) سوييس/ آپریل 2016